

تداوم خشونت و آزار زنان در سوئد

مقاله ای از لیف یوهانسون مندرج در روزنامه مترو
ترجمه از اختر کمانگر

روزنامه شهری مترو در استکهلم در تاریخ 8 مارس 2006 مطلبی را به قلم لیف یوهانسون به چاپ رسانده است که ترجمه خلاصه شده آنرا جهت استفاده خوانندگان تقدیم می نمایم.

بدرقتاری و خشونت علیه زنان در محیط خانواده به شکل قابل توجهی افزایش می یابد، بدون اینکه کسی به فکر چاره جوای این مشکلات اجتماعی باشد. کتک کاری و ارتکاب به قتل و نا هنجارهایی که در خانواده ها اتفاق می افتد، پدیده هایی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هستند که هر روز موجب از دست دادن جان هزاران زن بیگناه می شود که کسی مسولیت آنرا بر عهده نمی گیرد.

مقوله همسر آزاری و به قتل رساندن زنان از جمله اخبار هر روزه مطبوعات جامعه شده است. هرچند میدیا توجه جدی به این مشکلات اجتماعی ندارد اما هر چند روز یک بار در صفحات روزنامه ها خبرهایی در این مورد به چشم می خورد.

در این رابطه چه کسی مسول است آیا مشکلات جامعه است باعث این نوع بدرقتاری و خشونت ها می شود یا اینکه زنان هستند که به این بدرقتاری ها تن می دهند؟ به نظر من این جامعه است که باید به فکر چاره ای برای مشکلات زنان باشد.

پدیده ای به عنوان همسر آزاری مقوله ای است که در هر جامعه ای به اشکال گوناگون وجود دارد، از خشونت فیزیکی گرفته تا ضرب و شتم خشونت روانی و روحی و دست آخربه قتل رساندن همسر و غیره است. عوامل دیگری هم وجود دارد مانند نوع جامعه پذیری فرد و فقر فرهنگی که در همسر آزاری نقش زیادی دارند. و مردان زن آزار مشکلات مختلف اقتصادی و روحی و روانی خود را به شکل آزار رسانی به همسران خود بروز می دهند.

چند روز پیش توی قطار نشسته بودم و روزنامه مترو را ورق می زدم. مطلبی را در مورد زنان نوشته بود که نسبت به آن کنجکا و شدم و شروع به خواندن مطلب کردم که ذیلا برای شما نیز بازگو خواهم کرد:

مردی که زنش را در معرض خشونت یا مرگ قرار می دهد همیشه نسبت به قربانی در موقعیت پانینتری قرار دارد. تحقیقات یک روزنامه نگار در دادگاه نشان می دهند که مرد مجرم همیشه از این رنج می برد که زنی که با او زندگی می کند در کارهای خود موفق بوده و او احساس حقارت کرده و خشونتی که نسبت به زنش نشان می دهد بخاطر این است که در مقابل او احساس بی قدرتی و ضعف می کند. و وقتی زنش را کتک می زند می خواهد به این شکل قدرت خود را نشان دهد، و یا می خواهد به این وسیله زنش را کنترل کند.

تحقیقات مذکور نشان داده است که بسیاری از مرد هایی که نسبت به زنان اعمال خشونت آمیز نشان می دهند، معتاد و بی کار هستند و قبلا نیز به خاطر ارتکاب جرایم دیگر و خلافکاری مکررا مجازات شده اند.

زنانی که مورد خشونت قرار می گیرند در بیشتر موارد توسط همسرشان و یا دوست پسرشان مورد این خشونت قرار گرفته اند. مردان مذکور همیشه نسبت به زنی که با او رابطه داشته اند چه از لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ اجتماعی احساس حقارت کرده اند.

چند سال خشونت نشان دادن

مردی 23 ساله اهل اسپالا بخاطر خشونت، تجاوز و بی حرمتی به زنش محکوم شد. او همیشه زنش را مورد اذیت و آزار قرار داده بود. چون او بی کار بوده و زنش شغل خوبی داشته و یک خانه خریده که با هم در آنجا زندگی کرده اند.

بعد از آن همه خشونت و بد رفتاری که نسبت به او داشته از زنش خواسته که رابطه اش را با خانواده و دوستان خویش قطع کرده و با او به یک شهر دیگر نقل مکان کند، و نهایتاً این زن مجبور می شود علیه شوهر خود به دلیل خشونت و بد رفتاری نزد پلیس و مقامات دولتی شکایت نماید.

حمله کردن با چاقو

مرد 52 ساله ای اهل شهرک Solna زن خود را به ضرب چاقو به قتل می رساند. این خبر حاکی است که نامبرده به خاطر اینکه زنش دکتر بوده و او راننده تا کسی و به این دلیل مرد نامبرده در مقابل همسرش احساس حقارت نموده و به لحاظ روحی تحت فشار شدید بوده است. و در این شرایط روحی است که یک شب به زنش حمله کرده و او را با ضرب چاقو به شکل فجیعی به قتل رسانده و به سربریدن زنش اقدام کرده است.

شبها زنده داری اجباری

یک مرد 48 ساله که بی کار و معتاد بوده است و همسرش به وی اجازه داده که در خانه او زندگی کند و حتی خرج خورد و خوراک و زندگی او را هم پرداخت کرده است. ولی چون این مرد خود بی کار بوده احساس حقارت کرده و برای جلوگیری از کار همسرش، او را تا صبح از خوابیدن ممنوع کرده و او را اجباراً بیدار نگاهداشته است. که نهایتاً زن نامبرده مجبور می شود برای گرفتن گواهی پزشکی به نزد دکتر رفته و دست آخر شوهر خود را به جرم خشونت و بد رفتاری به پلیس معرفی نموده و از وی شکایت نماید. مرد نامبرده در دادگاه به جرم اعمال فوق محکوم شده است.

کتک کاری بوسیله پایه میز

مردی 37 سال دارد و در ستکهلم زندگی می کند به زندان محکوم شد، بخاطر اینکه زنش را کشته بود. این مرد پایه میز غذاخوری را در آورده و در حضور بچه هایش همسرش به قصد مرگ کتک می زند تا جائیکه این زن بیدفاع در زیر کتک کاری جاننش را از دست داده و به قتل می رسد. طبق گفته های این مرد، دلیل این قتل فجیع این بوده است که گویا خانواده همسرش از دخترشان خواسته بودند که از شوهر خود به دلیل نداشتن شغل و وابستگی به اداره امور اجتماعی- سوسیال- جدا شود.

خفه کردن در اتاق خواب

یک مرد 38 ساله که در ستکهلم زندگی می کند بخاطر کشتن همسر سابقش به 10 سال زندان محکوم شد. او بی کار و معتاد بوده و بعد از جدا شدن در خانه زن و بچه اش زندگی کرده است.

این زن خود صاحب یک شرکت بوده و به لحاظ اقتصادی وضع خیلی خوبی داشته است. زن مورد اشاره برای مدت کوتاهی شوهر سابقش را در شرکت خود استخدام می نماید، ولی بعد از مدتی مجبور می شود او را اخراج کند. مرد نامبرده هم یک روز بعد از اخراج زن سابقش را در اتاق خواب خفه می کند.

تحقیقات این روزنامه نگار نشان داده است که بسیاری از این مردان مجرم به قتل و خشونت علیه زنان و همسران خود، بیکار و معتاد بوده اند. طبق اظهار نظر میکایل راینک که خود پلیس مامور بازجویی از این مجرمین است بسیاری از این مردان که به دلیل خشونت و قتل زنان خود محکوم شده اند به لحاظ موقعیت اجتماعی دارای مشکل بوده و نسبت به زنان خود احساس ضعف و حقارت کرده و بدین شیوه تلاش کرده اند زنانشان را کنترل کرده و قدرت مرد سالارانه خود را به این شکل نشان دهند.

اکثر مرد هایی که در این تحقیقات مورد اشاره هستند سویدی بوده و یک سوم آنها خارجی تبار هستند. چون زنان خارجی زودتر از شوهرها یشان زبان کشور جدیدی را که در آن زندگی می کنند را یاد گرفته و زودتر کار پیدا می کنند. برای برخی از این زنان راحت تر کار پیدا می شود و راحت تر در جامعه ادغام می شوند و این برای شوهرانشان مشکل تر است. و وقتی که مردی می بیند که زنش به او احتیاج ندارد و خود صاحب شغل و درآمد است نسبت به وی بیشتر احساس بی قدرتی و حقارت می کند.

تحقیقات آماری در مورد مرد ها بیکه زن یا دوست دختر خود را می کشند و یا نسبت به آنها اعمال خشونت آمیز نشان می دهند.

- 43 % معتاد هستند
- 47 % بی کار هستند
- 65 % سویدی هستند
- 52 % قبلا بخاطر کارهای خلاف محکوم شده اند
- 47 % مشکل روانی و روحی دارند
- 84 % از این مرد ها رابطه جنسی با این زنها داشته اند
- 85 % از این خشونت ها در خانه های زوجین اتفاق می افتد
- 40 % دوست پسر
- 35 % شوهر
- 9 % شوهر سابق
- 4 % پدر
- 1 % پسر
- 1 % همسایه
- 1 % رفیق
- 4 % کسان نا آشنا
- 5 % دیگران